

مقاله تحلیلی فارن افروز درباره احیای مقاومت نکاتی خواندنی دارد

جریان مقاومت؛ ایستاده با موشک و روایت

سجاد عزاداره
ترجم

ترگس باجغلی (استادیار انسان‌شناسی و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جان هاپکینز ایالات متحده) و **ولی نصر** (استادتمام روابط بین الملل و مطالعات خاورمیانه در همین دانشگاه) در مقاله‌ای با عنوان **«چگونه جنگ غزه محور مقاومت را احیا کرد، ایران و متحدانش با موشک و روایت می‌کنند»** که در وب‌سایت فارن افروز منتشر شده است، به قدرت افکنی **محور مقاومت** در غرب آسیا پرداخته‌اند. آنها معتقدند جمهوری اسلامی ایران توانسته است با ایجاد شبکه قدرتمندی از متحدان که البته اعضای آن به‌صورت مستقل عمل می‌کنند، در مسیر نیل به اهداف خود مبنی بر **خراج آمریکا** از منطقه و به شکست کشاندن رژیم صهیونیستی عمل کند. به علاوه در نبرد اخیر غزه، این محور نشانه‌های فراوانی از بلوغ را هم از خود اظهار داشته است، کما اینکه شاهد راهبرد «وحدت میادین» بوده‌ایم و برای دفاع از غزه، سایر اعضای این محور در کشورهای دیگر نیز وارد میدان شده‌اند. به‌علاوه برای اولین بار جبهه مقاومت توانسته است بر ضعف خود در جنگ رسانه‌ای و روایت نیز غلبه کند؛ امری که نتیجه آن شکل‌گیری محبوبیتی بی‌سابقه برای گروه‌های مقاومت در میان افکار عمومی کشورهای غربی، مخصوصاً نسل موسوم به «زده» است. شاید به‌نوعی بتوان مهم‌ترین گزاره مطرح شده در این مقاله را نتیجه‌گیری آن دانست: آنجا که نویسندگان اذعان می‌کنند **محور مقاومت واقعیت منطقه‌ای است که ایالات متحده باید سال‌های زیادی با آن دست و پنجه نرم کند.**

■ ■ ■

در ۱۲ژانویه، بریتانیا و ایالات متحده حملات نظامی را علیه اهداف منتسب به حوثی‌ها در یمن ترتیب دادند؛ حملاتی که پاسخی به تهاجمات این گروه علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ که تجارت جهانی را مختل کرده، محسوب می‌شد. اقدامات مذکور حوثی‌ها برای مدت کوتاهی آنها را به برجسته‌ترین عضو یک ائتلاف نظامی تبدیل کرد که پس از تورور صالح العازوری و دیگر رهبران حماس در بیروت در دوم ژانویه در سراسر منطقه فعال شده است. سیدحسین نصرالله، قول قصاص داد و اعلام کرد مبارزه با اسرائیل به چیزی کمتر از «محور مقاومت» نیاز ندارد. در ساعاتی پس از وعده نصرالله، سخنان او به‌صورت ویدئویی به‌طور گسترده پخش شد. سپس محور مقاومت دست به حمله زد. حزب الله با ۶۲ راکت به پایگاه کنترل هوایی مرون اسرائیل حمله کرد. گروه مقاومت اسلامی مستقر در عراق نیز هواییماهای بدون سرنشین خود را برای حمله به پایگاه‌های آمریکایی به سوریه و عراق فرستاد و شهر حیفاف اسرائیل را نیز با موشک کروز دوربرد هدف قرار داد. حوثی‌ها هم در دریای سرخ دست به حمله زدند و سرنانجام ایران یک نفتکش را در خلیج عمان توقیف کرد.

اگرچه کشورهای غربی و منطقه‌ای ادعا می‌کنند نمی‌خواهند جنگ در نوارغزه به یک بحران شعله‌ور منطقه‌ای تبدیل شود، اما ایران، حزب‌الله، حوثی‌ها و سایر اعضای این محور بازی بسیار متفاوتی را زحام می‌دهند. آنها با صبر و حوصله و به شکلی روشمند اتحادی از نیروها را در یک میدان نبرد منطقه‌ای تثبیت می‌کنند. اتحادی که با ایران و حزب‌الله شروع شد، اما به‌سرعت درحال تبدیل شدن به چیزی بزرگ‌تر از بخش‌های مقوم خود است و دیگر اعضای آن عبارت از حوثی‌ها در یمن، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و شبه‌نظامیان شیعه در عراق و سوریه هستند. شکل‌گیری این محور، نظم منطقه‌ای را که غرب برای دهه‌ها در خاورمیانه ایجاد و از آن دفاع کرده است، با چالش‌ی مستقیم مواجه می‌کند. همچنین –همانطور که حملات ایران و حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ نشان می‌دهد– تهدیدی برای تجارت جهانی و عرضه انرژی نیز به‌شمار می‌رود.

حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، نشانگر توانایی و نفوذ این محور است؛ نفوذی که از سرزمین‌های فلسطین فراتر رفته و لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران را در بر می‌گیرد. غرب، تهران را مغز متفکر این شبکه می‌داند و تردیدی نیست که محور مقاومت نشان دهنده نگاه راهبردی تهران است. درواقع سبیه پاسداران ایران، قابلیت‌های نظامی مرگبار و پشتیبانی هماهنگ‌کننده را برای اعضای محور فراهم کرده است. اما تهران عروسک‌گردان نیست و انسجام و نقش منطقه‌ای این محور چیزی بسیار فراتر از دیکته‌های ایران است. درحقیقت این محور با نفرت مشترک از «استعمارگری» آمریکا و اسرائیل به هم گره خورده است. حزب‌الله معتقد است واشنگتن و تل‌آویو در لبنان مداخله می‌کنند و حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان شیعه عراق نیز بر این باورند همین امر در سرزمین‌های آنها نیز صادق است. همانطور که نصرالله گفته است، گروه‌های پراکنده با این واقعیت متحد شده‌اند که خواه لبنتانی، فلسطینی یا یمنی، با مسائل مشابه و دشمن یکسانی روبه‌رو هستند. این امر بدان معنا است آنچه در یک قلمرو این محور اتفاق می‌افتد مستقیماً به بقیه نیز مربوط می‌شود. این محور به جای ابزار ایران، خود را اتحادی می‌بیند که حول محور اهداف راهبردی مشترک و با روح «همه برای یکی و یکی برای همه» بنا شده است. اعضای آن معتقدند همگی درحال جنگی یکسان علیه اسرائیل و به‌طور غیرمستقیم با آمریکا هستند. این باور بدان معنا است نه هشدارهای ایالات متحده و نه حملات آن، محور مقاومت را مجبور به توقف نخواهد کرد. تا زمانی که توپ‌ها در غزه ساکت نشوند،

فشار بر جمعیت این منطقه کاهش نیابد و مسیری معتبر برای حاکمیت و استقلال فلسطین طراحی نشود، ایالات متحده نمی‌تواند خود را از این مارپیچ خطرناک نجات دهد.

طرح کلان ایران

محور مقاومت در ۷ اکتبر یا به عرصه وجود نهاده، بلکه آغاز آن پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ است. بنیانگذار این محور، نیروی قدس سپاه پاسداران ایران و فرمانده سابق آن قاسم سلیمانی بود که این شبکه را بر پشتوانه روابط نزدیک ایران با حزب‌الله و با تکیه بر تجارب دو طرف از جنگ با عراق و اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ ایجاد کردند. سلیمانی از ابتدا به دنبال ایجاد شبکه‌ای متنعطف بود که در آن هر بخش تشکیل دهنده این محور خودکفا باشد. اگرچه آموزش و مهسات لازم برای محور ممکن بود از ایران بیاید، اما انتظار می‌رفت هر واحد بر تاکتیک‌ها، فناوری و تسلیحات خود تسلط یابد. هدف اصلی این محور نوپا در روزهای اولیه به شکست کشاندن نقشه‌های آمریکا برای اشغال عراق بود. برای این منظور تهران و حزب‌الله با موفقیت گروه‌های شبه‌نظامی محلی ایجاد کردند که با نیروهای آمریکایی می‌جنگیدند. پس از کنترل داعش بر بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه در سال ۲۰۱۴، شبه‌نظامیان مشابهی هم برای مبارزه با این نیروهای فرقه‌گرا که هم رژیم اسد در سوریه و هم کنترل شیعیان بر عراق را تهدید می‌کردند تاسیس شدند. جنگ داخلی سوریه به نقطه عطفی برای این محور تبدیل شد زیرا ایران، حزب‌الله و شبه‌نظامیان شیعه عراق و سوریه علیه دشمن مشترک خود جنگیدند. با انجام این کار بازیگران مذکور توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی را تعمیق بخشیدند و منطق راهبردی اتحاد خود را تقویت کردند. به علاوه در همین دوران بود که ایران روابط خود را با شورشیان حوثی یمن تحکیم کرد و آنها را وارد اتحادی که اکنون در حال رشد است، کرد و پرچم محور مقاومت را در سر مست گرفت. طی دهه گذشته ایران و حزب‌الله بهپادها و موشک‌های پیشرفته‌ای را در غزه، عراق، سوریه و یمن مستقر کرده‌اند. آنها همچنین به حماس و حوثی‌ها آموزش داده‌اند تا برای خود سلاح بسازند. موفقیت این رویکرد را توسعه و استفاده ماهارانه حماس و حوثی‌ها از موشک نشان می‌دهد. اعضای محور همچنین در زمینه ارتباطات رسانه‌ای آموزش دیده‌اند؛ در راه‌اندازی کانال‌های مالی نیز به آنها کمک شده است ونحوه حمایت از مقاومت مدنی به‌ویژه در کرانه‌باختری رانیز یاد گرفته‌اند. جانشین سلیمانی، اسماعیل قاتانی این میراث را تادام بخشیده، محور را بیشتر غیرمتمرکز و تصمیم‌گیری تاکتیکی و عملیاتی را به‌طور فزاینده‌ای به یگان‌های محلی و فرمانده آنها واکذا کرده است. شبکه حاصله به تهران کمک کرده است تا به هدف همیشگی خود مبنی بر بیرون راندن ایالات متحده از خاورمیانه ادامه دهد. از زمان انقلاب ۱۹۷۹، تهران بر حفاظت از خود در برابر واشنگتن متمرکز شده است زیرا هیران ایران بر این اعتقاد هستند که آمریکا مصمم به نابودی جمهوری اسلامی است. برای این منظور ایران به دنبال مقابله با تلاش‌های ایالات متحده برای مهار اقتصادی و نظامی این کشور بوده است. تهران تلاش کرده ارتش آمریکا را از کشورهای هم‌مرز با ایران و خلیج فارس بیرون کرده و واشنگتن را مجبور به ترک منطقه کند. بنابراین محور مقاومت برای تهران از ژنرمنند بوده زیرا ترمکز نیروهای آمریکایی را از مرزهای ایران منحرف کرده است. ارزش راهبردی این محور برای تهران در هشت سال گذشته به دلیل افزایش جنگ طلبی واشنگتن افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۸ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و حداکثر تحریم‌ها را علیه ایران اعمال و در سال ۲۰۲۰ نیز دستور تورر سلیمانی را صادر کرد. این اقدامات تهران را به نیاز به وجود یک محور قدرتمند و منسجم از متحدان که از مدیرتانه تا خلیج فارس کشیده شده و بتواند بر آمریکا فشار وارد کند، متقاعد کرد. این امر می‌تواند فشار بر وا‌نشنگتن را افزایش دهد. در بافتاری که ترسیم شد برنامه هسته‌ای ایران نیز اهمیت دوچندانی یافت زیرا علاوه بر اهرمی در مذاکرات رفع تحریم‌ها تبدیل به یک عامل بازدارنده در برابر حملات آمریکا به محور مقاومت نیز شد. سایر اعضای محور مقاومت نیز همسو با اهداف تهران در سراسر منطقه هستند؛ اهدافی که معنکس‌کننده منافع محلی خود آنها نیز می‌باشند. مثلاً حزب‌الله به دلیل تمایل به محافظت از جنوب لبنان در برابر آنچه جاه‌طلبی‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل می‌خواند که ظاهراً شامل مناطقی در سوریه و اردن نیز می‌شود، دست به اقدام می‌زند. شبه‌نظامیان شیعه در عراق بر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور و همچنین پیروزی در جنگ داخلی ناتمام با سنی‌ها متمرکز هستند. حوثی‌ها هم می‌خواهند بر کل یمن سیطره پیداکنند و از تلاش‌های عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای ایجاد مانع در سر راه آنها نازاحت هستند.

همه برای یکی

بااین حال محور مقاومت درنهایت یک اتحاد نظامی است و بنابراین اعضای آن در کنار هم قوی‌تر هستند. اگرچه حماس حمله ۷ اکتبر را طراحی و اجرا کرد، اما ایران و حزب‌الله تا حد زیادی مسئول ارتقای قابلیت‌های این گروه به‌شمار می‌روند. در واقع جلساتی در بیروت که پیش از ۷ اکتبر و با حضور رهبران ارشد حماس، حزب‌الله، جهاد اسلامی فلسطین، سپاه پاسداران، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی برگزار شده است نشان می‌دهد که اعضای محور احتمالاً از برنامه‌های حماس اطلاع داشته‌اند. برای حماس هدف اصلی این حمله برهم زدن وضعیت موجود که به آرامی‌ها به قطعیت آرمان می‌باشد، است؟ جواب می‌دهد «آره ولی دیراودی.» ۱۰ نفرش پر شده است.» به ساعت نگاه می‌کنم؛ «به من گفته بودند ساعت ۴ صبح پیام نوبت بگیرم! الان که ۲ ساعت زودتر است» و جواب می‌دهد: «دهامایی که توی صفیم می‌ه بار همین ساعت بود! داشتم بهم می‌گفت: «جواب می‌دهم! صبح دیدیم صف تشکیل شده و نوبت‌ها تموم شده؛ یاد گرفتیم ساعت ۱ نصف شب بیاییم!» و می‌خندد. دوباره می‌پرسم: «خب حالا‌که تجربه داری بگو ببینم از کی باید نوبت

فلسطین را خاموش می‌کرد و همچنین بازگرداندن مبارزات آنها به خط مقدم سیاست عربی بود. برای ایران و حزب‌الله نیز بازگرداندن مساله فلسطین به مرکزیت صحنه این مزیت را داشت که اسرائیل را به عقب راند و در نتیجه احتمال عادی‌سازی بیشتر روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی را کاهش داد. آنها همچنین شیفته گرفتار کردن اسرائیل در باتلاق یک جنگ چندجبهه‌ای هستند که سبب مصروف شدن منابع آن می‌شود. در هر صورت از دیگری سبب شده تا به یک هدف دیرینه ایران جامه عمل پوشانده شود؛ تهران مدت‌هاست بر این باور است که اگر اسرائیل به مسائل خود مشغول نباشد به امر ایران مشغول خواهد شد.

با این حال، نتیجه حمله حماس، مقیاس و توحش پاسخ اسرائیل، فاجعه انسانی منتج از آن و میزان توجه جهانی به این مساله غیرمنظره بود. حماس و متحدانش در محور مقاومت پیش‌بینی نمی‌کردند حمله ۷ اکتبر تا این حد موفقیت‌آمیز باشد. آنها شاید در گمان حمله‌ای سریع به اسرائیل بودند که به سرعت انجام شده و با تلفات و گروگان‌های محدود پایان یابد. البته در این صورت نیز اسرائیل به غزه حمله می‌کرد، اما نه با وحشی‌گری‌ای که اکنون شاهد آن هستیم. موفقیت حمله حماس و گسترده‌گی واکنش اسرائیل، محور مقاومت را مهیوت ساخت و در نتیجه این محور در اهداف راهبردهای خود بازنگری کرد. اگرچه نه ایران و نه حزب‌الله خواهان یک جنگ منطقه‌ای گسترده نیستند، اما آنها هم نیروهای اسرائیلی و هم نیروهای آمریکایی را با هواپیماهای بدون سرنشین و موشک هدف قرار داده‌اند. حوثی‌ها نیز با ایجاد اختلال در کشتیرانی در دریای سرخ به این مبارزه پیوسته‌اند. آنها این کار را برای نشان دادن حمایت از فلسطینی‌ها و همچنین برای بازآشتن ایالات متحده و اسرائیل از گسترش جنگ به لبنان با نشان دادن تمایلی اعضای محور برای جنگ انجام داده‌اند. آنها امیدوارند این کار مانع عزت اسرائیل برای گسترش درگیری شود و تل‌آویو را از گسترش جنگ در جبهه‌ای که خود انتخاب کرده است، آن هم بدون اینکه با تمام اعضای محور درگیر شود، بازدارد.

همه اعضای این محور در جنگ غزه شرکت کرده‌اند و در نتیجه از نظر اسرائیل و آمریکا همگی شریک جرم هستند. این امر باعث تقویت بیشتر پیوند‌های درون محور شده است. اکنون همه آنها به یک‌دیگر برای جلوگیری از پیروزی آشکار اسرائیل در غزه وابسته هستند؛ زیرا اگر اسرائیل پیروز شود، احتمالاً توجه خود را به سایر اعضای محور معطوف خواهد کرد، توجهی که از حزب الله شروع شده و به ایران ختم خواهد شد.

جنگ‌های رسانه‌ای

دوربین‌ها برای حملات حماس در ۷ اکتبر به اندازه سلاح‌های مرگبار مهم بودند. این گروه با استفاده از دوربین‌های گوپرو که بر روی شبه‌نظامیان و پهپادها بسته شده بودند تا عبور از دیوار امنیتی اسرائیل را ثبت کنند، چند ساعت پس از حمله شروع به انتشار ویدئوهای آماده‌ی رسانه‌های اجتماعی کرد و از همان ابتدا کنترل روایت را در دست گرفت. حماس از آن زمان تاکنون به همان اندازه رسانه‌ای عمل کرده است. مثلاً، در جریان آتش‌بس موقت و تبادل گروگان‌ها در نوامبر ۲۰۲۳، این گروه اسرای اسرائیلی خود را در وسط شهر غزه آزاد کرد؛ در حالی که تعدادی دوربین آماده تصویربرداری از لیخندها و دست دادن آنها بودند. این راهبرد برای مقابله با روایت‌های سیاستمداران اسرائیلی از حماس مبنی بر تورویست‌های «وحشی» و «حیوانات انسان‌نما» طراحی شده بود. افکار عمومی در سراسر خاورمیانه، جنوب جهانی و حتی غرب به‌طور فزاینده‌ای از درگیری رانتیجه یک اشغال چند دهه‌ای و نه پاسخی به تورویسم اسلامی می‌دانند. این دیدگاه به‌طور ضمنی بر جهان بینی ضداستعماری محور مقاومت صحنه می‌گذارد و به محبوبیت بیشتر این محور در سراسر منطقه کمک می‌کند.

محور مقاومت امیدوار است که محبوبیت جهانی آن نیز افزایش یابد. برای اولین بار در چندین دهه، آرمان فلسطین در سطح بین‌المللی برجسته شده است؛ اتفاقی که رهبران محور آن را یکی می‌دانند. ظهور محلی فلسطین، اسرائیل و ایالات متحده را مزبور کرده و انتقادات جنوب لبنان از استعمار مهاجرنشین ا توضیح مترجم؛ زمانی که استعمارگران به سرزمینی حمله کرده و آن را اشغال کنند تا به‌طور دائم جامعه موجود را با جامعه استعمارگران جایگزین کنند، اشغالگری و آپارتاید افزایش می‌دهد. رهبران محور مقاومت از رویارویی با غرب در زمانی که این ایده‌های ضد غربی توجهات تازه‌ای را به خود جلب کرده است، استقبال می‌کنند. برای این منظور، آنها این مفاهیم را در مرکز پیام‌های خود قرار داده‌اند. دیگر خبری از اصطلاحات مذهبی میهم که برای مدت طولانی جزء اصلی روایت ایران و حزب‌الله به‌شمار می‌رفت، نیست و به جای آن کلمات و عباراتی آشنا از ادبیات حقوق بشری و حقوق بین‌الملل وجود دارد. یک مثال گویا در همین مورد اخیرا رخ داد، زمانی که حوثی‌ها ویدئویی به زبان انگلیسی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده و از منع عبور همه کشتی‌های مرتبط با اسرائیل از دریای سرخ خبر دادند. در این ویدئو آمده بود که این عملیات نظامی «به مفاد ماده ۱ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی پایبند است؛ ماده‌ای که مقرر می‌دارد همه طرف‌های کنوانسیون موظفند از وقوع نسل‌کشی جلوگیری کنند و مسئولان ارتکاب آن را مجازات نمایند.» این ویدئو تا این پیام به پایان می‌رسد: «محاصره زمانی که نسل‌کشی متوقف

شود، متوقف خواهد شد.» در ۱۱ فوریه، انگلستان و ایالات متحده یمن را بمباران کردند، یعنی در همان روزی که آفریقای جنوبی پرونده نسل‌کشی را علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد. در همین زمان در سراسر شبکه‌های اجتماعی این پیام منتشر شد که آفریقای جنوبی و یمن اقداماتی را برای توقف نسل‌کشی انجام می‌دهند؛ در حالی که لندن و واشنگتن بار دیگر منطقه را برای حمایت از ظلم بمباران می‌کنند. در طول سه ماه گذشته، حوثی‌ها با پخش ویدئوهایشان در تیک‌تاک، محبوبیتی جهانی در میان بخش‌های موسوم به «نسل زد» پیدا کرده‌اند. در طول ۲۰ سال «جنگ علیه تورویسم»، اعضای محور مقاومت با در سطح بین‌المللی ناشناخته بودند یا صرفاً تورویست‌هایی دارای انگیزه ناشی از نفرت از غرب در نظر گرفته می‌شدند. اما از ۷ اکتبر، این محور توانسته است خود را با عباراتی که خود می‌خواهد تعریف کند و با موفقیت اقداماتش را با جنبش‌های ضداستعماری جهانی پیوند دهد. محور مقاومت تاکنون نیز در این حوزه موفقیت غیرقابل‌تصور ی راهبردی تجربه کرده است؛ معترضان در لندن شعار می‌دادند «یمن، یمن، ما را سربلند کن، کشتی دیگری را برگردان.» بنابراین، این محور اکنون با اسرائیل و ایالات متحده نه‌تنها در میدان‌های نبرد بلکه در سراسر رسانه‌های اجتماعی – مانند اینستاگرام، تلگرام، تیک‌تاک و ایکس – بر سرافکار عمومی جهان می‌جنگد. درواقع، اظهارات نصرالله و آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که رهبران محور افکار عمومی بین‌المللی را مهم‌ترین پاداش بلندمدت راهبردی خود می‌دانند. آنها این نکته واکفل هستند که نمی‌توانند ایالات متحده را از نظر نظامی شکست دهند، بنابراین امیدوارند فشار عمومی کافی را برای وادار کردن واشنگتن به عقب‌نشینی از خاورمیانه و احترام به حاکمیت فلسطینی‌ها ایجاد کنند. به همین دلیل است که نصرالله از این واقعیت مسرور است که «اسرائیل اکنون به لطف رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک دولت‌تورویستی کودک‌کش دیده می‌شود.» او ادامه داد، به دلیل وجود رسانه‌های اجتماعی، تصور جهانی از اسرائیل به‌عنوان «قاتل کودکان و زنان، [که] مردم را آزاره می‌کند و مسئول بزرگ‌ترین نسل‌کشی در قرن حاضر است» به وجود آمده است. نصرالله همچنین از توانایی رسانه‌های اجتماعی در گسترش این دیدگاه که ایالات متحده در قبال این جنگ مسئولیت دارد، تجلیل کرده است. وی گفت: «جنگ غزه یک جنگ آمریکایی است، بمب‌ها آمریکایی هستند، تصمیم آمریکایی است. جهان امروز این را می‌داند.»

برای محور مقاومت، این کمپین رسانه‌ای دقیقاً سر وقت عمل کرده است. ایران و حزب‌الله مدت‌ها از اهمیت قدرت نرم آگاه بودند اما از نظر تاریخی در تاثیرگذاری بر آن ناموفق عمل می‌کردند. اما آنها این کاستی را تشخیص داده و دهه گذشته را صرف ساختن یک زیرساخت رسانه‌ای قوی و جایک -که اکنون به چندین زبان فعال است- دقیقاً آغاز می‌کنند. آنها نیز مکمل محور مقاومت فیلم‌های روزانه عملیات میدان نبرد را همراه با افکت‌های آرام منتشر می‌کند تا ضربه‌های مستقیم به سربازان و تاسیسات نظامی اسرائیل را برجسته کند. در تیک‌تاک نیز ویدئوهایی از رقص حوثی‌ها روی کشتی‌های توقیف شده در دریای سرخ منتشر می‌شود. محتواهایی نیز وجود دارند که هدف آن ایجاد هواداری جهانی برای شخصیت‌های اصلی محور مقاومت، ازجمله ابوعبیده، سخنگوی حماس است. به علاوه مطالبی نیز تولید می‌شوند که از نصرالله تجلیل می‌کنند و رهبر حزب‌الله را در مقابل سران کشورهای عرب قرار می‌دهند که متهم به کم‌کاری برای فلسطینی‌ها هستند. این خروجی مکمل محتوای تولید شده در خارج از کشور برای حمایت از فلسطین است و دامنه دسترسی‌های این محور را به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش می‌دهد. پویش‌های نظامی و قدرت نرمی که این محور طراحی کرده است، چالش‌های منطقه‌ای بی‌سابقه‌ای را برای غرب و به‌ویژه واشنگتن، ایجاد می‌کند. اگر جنگ به‌زودی پایان نیابد و راه روشنی برای حل‌وفصل عادلانه مساله فلسطین ایجاد نشود، ایالات متحده با منطقه‌ای روبه‌رو خواهد شد که سیاست آن به‌طور فزاینده‌ای در پرتو خشمی که نوار غزه را فرا گرفته است، شکل داده خواهد شد. گسترش درگیری فراتر از غزه، از سوی اسرائیل در لبنان با توسط ایالات متحده و متحدان آن در یمن، تنها به این خشم دامن می‌زند و افکار عمومی را بیشتر تحریک می‌کند و نفوذ این محور را تثبیت می‌کند. واشنگتن تنها می‌تواند این روند را با مذاکره درباره آتش‌بس در غزه و سپس شکل دهی به یک فرآیند صلح معتبر که منجر به راه‌حل نهایی شود، معکوس کند. محور مقاومت مدت‌ها است که در حال شکل‌گیری است اما اکنون جنگ غزه بزرگ‌ترین فرصت را به این شبکه داده است تا یک حمله نظامی و ارتباطی را علیه غرب آغاز کند. این محور هم‌اکنون از طریق تسلیحات و سربازان در منطقه و به واسطه پیام و رسالت خود در جهان، خود را نشان داده است. جنگ اسرائیل و حماس خاورمیانه را تغییر داده است. خشم گسترده عمومی برانگیخته شده است و دشمنی با غرب می‌تواند جرقه افراط‌گرایی و بی‌ثباتی سیاسی تازه‌ای را ایجاد کند. جنگ مفروضات اساسی حاکمان منطقه، حتی آنهایی که واشنگتن آنها را متحد خود می‌داند را درباره امنیت و روابط با غرب تغییر داده است. ایالات متحده نه می‌تواند به راحتی این محور را از بین ببرد و نه قادر به شکست ایده‌های حاصل از آن است. تنها راه متزلزل کردن این محور، پایان دادن به جنگ غزه و مذاکره برای حل‌وفصل واقعی و عادلانه مساله اسرائیل و فلسطین است. تا زمانی که این کار انجام نشود، این محور یک واقعیت منطقه‌ای خواهد بود که ایالات متحده باید سال‌های زیادی با آن دست‌وپنجه نرم کند.

آدم‌های زیاد دیگری که نتوانستند در لیست ۱۰ نفره نوبت باشند رفتند تا نیمه‌شب فردا دوباره بیایند.
متصدی بخش ارز با بانک هم از این ماجرا شکار است اما دستش به جایی بند نیست.
همه اتفاقات بیرون از بانک رخ می‌دهد و فقط خروجی هایش در داخل بانک جنجال‌ساز است.

برده آخر: ناتوان از نظم حداقلی؟

کسانی که هر روز به صرافی‌ها مراجعه می‌کنند تا حواله دریافت ارز دولتی بگیرند مشخص است. هم تعدادشان معلوم است و هم مشخصات‌شان؛ هم شعبه ارزی‌ای که حساب دارند معلوم است!

یک هفته فاصله پرداخت هزینه حواله تا دریافت ارز از بانک ملی است و در این پروسه در هر بانکی تعداد مشتریانی که قرار است ارز را تحویل بگیرند کاملاً معلوم است؛ اما آیا طراحی و اجرای یک سازوکار حداقلی توزیع ارز و نوبت‌دهی اقتدر پیچیدگی دارد که در دیر زمینیک سازوکار صلح‌نامه‌شنی و لیست مشتری بود از شب قبل آنتی‌باد می‌تواند تا خود این رفتار را توهین به مردم ایران نمی‌داند که فکری به حال این سیستم توهین‌کننده نمی‌کند؟

فرهنگ‌نخبگان

مقاومت

پنجشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲



شماره ۴۰۶۱



www.fdn.ir



FARHIKH4TEGDAILY